

تشکیلات نهضت مقاومت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛

اهداف، فعالیت‌ها و پیامدها

فریده باوریان^۱

چکیده

نهضت مقاومت ملی تحت تأثیر کودتای ۲۸ مرداد توسط نیروهای پایه‌ریزی شد که به اصالت جنبش ضد استعماری ملت ایران وفادار مانده بودند. نهضت مقاومت بی‌شک فصل جدیدی را در تاریخ مبارزات مردم ایران گشود و سهم بسزایی در تحولات سیاسی کشور طی سال‌های بعد، خصوصاً سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۳۹ ایفا کرد، به نحوی که شناخت رویدادهای این ایام بدون توجه به نقش و کارکرد مؤثر آن امکان‌پذیر نیست. بر این اساس مقاله حاضر درصدد است تا اهمیت این موضوع را با طرح این سؤال که «هدف از تأسیس نهضت مقاومت ملی چه بود و این سازمان چه تأثیراتی بر فضای سیاسی-اجتماعی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد برجای نهاد؟» در چارچوبی توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی معتبر مورد ارزیابی قرار بدهد. در این میان یافته‌های پژوهش بر این مبنا استوار است؛ نهضت مقاومت با هدف دفاع از دستاوردهای نهضت ملی و زنده نگه‌داشتن تفکر ملی در برابر دولت کودتا تشکیل گردید. این نهضت ضمن آگاهی‌دادن به مردم، با تمام ضعف‌ها و مشکلات درون‌سازمانی و تشکیلاتی که داشت، توانست فقدان آزادی و عدم مشروعیت حکومت پهلوی دوم را آشکار کند و در تحولات سیاسی-اجتماعی این دوره تأثیر بگذارد.

واژه‌های کلیدی: نهضت مقاومت ملی، کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضا شاه، محمد مصدق، استعمار.

۱. استادیار تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

The organization of the National Resistance Movement after the coup d'état on August 19, 1953; Objectives, activities and outcomes

Farideh bavaryan^۱

The National Resistance Movement was established by forces that remained loyal to the originality of the anti-colonial movement of the Iranian people and was influenced by the August 19, 1953 coup. Without a doubt, the establishment of the National Resistance Movement was a new chapter in the history of the struggles of the Iranian people and had an important contribution to the political developments of Iran, especially in the years 1963-1960. Without considering the role and function of the resistance movement, it is not possible to know the events of that time period. Therefore, this article wants to examine the importance of the organization of the National Resistance Movement at that time using the descriptive method and reliable library and document sources and with the main question: What was the purpose of establishing the National Resistance Movement and what were the effects of this organization since the coup of August 19, it has affected Iran's political and social atmosphere? The research findings show; the resistance movement was formed with the aim of defending the achievements of the national movement and keeping the national thought alive against the coup government. But with all the weaknesses and problems within the organization, he informed the people and revealed the lack of freedom and the illegitimacy of the Pahlavi II government, and had an impact on the social-political developments of Iran at that time.

Key words: National resistance movement, August 19, 1953 coup, Mohammad Reza Shah, Mohammad Mossadegh, colonialism.

^۱ Assistant Professor of Islamic Revolution History, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran.

مقدمه

کودتای ۲۸ مرداد خاستگاه یک دوران سرکوب سیاسی در کشور بود. چنان که کودتاچیان بلافاصله به فرماندهی سرتیپ تیمور بختیار و سرتیپ فرهاد دادستان با ایجاد دستگاه فرمانداری نظامی از ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ برای تثبیت و استقرار موقعیت خود سرکوب میهن پرستان و نیروهای ضد کودتا را آغاز کردند. بدین ترتیب محیط رعب و وحشتی سراسر کشور را فراگرفت. چنان که بیشتر وزرا و همکاران دولت ملی و تعدادی از نظامیان و افسران طرفدار نهضت ملی روانه تبعیدگاه‌ها و زندان شدند. دکتر مصدق دستگیر گردید و در دادگاه نظامی محاکمه شد. اشکال مختلف فعالیت سیاسی نیز ممنوع شد (ملایی توانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۱۲ و ۱۵۶-۱۵۴). با این وضعیت انسداد سیاسی که در جامعه حکمفرما شده بود، جمعی از روشنفکران با علایق دینی که از مدت‌ها قبل با فعالیت فرهنگی-اجتماعی در کانون اسلام (از سال ۱۳۱۹) و انجمن اسلامی دانشجویان (از سال ۱۳۲۱) و فعالیت سیاسی هرچند محدود، در جریان ملی شدن صنعت نفت به عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی گام نهاده بودند، فعالیت تازه‌ای را سامان بخشیدند (باوریان، ۱۳۹۷: ۱۰۴-۹۸). این طیف که با فعالیت در مراکز مذکور تنها به انتقاد مجادله آمیز و ایدئولوژیک از تفکر مارکسیسم و شیوه‌های سنتی تفکر در عرصه فرهنگی و اجتماعی اکتفا کرده و به نوعی دنبال هویت‌یابی جدید برای حل مشکلات اجتماعی بودند (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۱۱/۱ و ۲۶۸). اکنون با اختناق بعد از کودتای ۲۸ مرداد از قالب فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی بیرون آمده و به عرصه فعالیت‌های گسترده‌تر سیاسی وارد شد. در خصوص این تغییر رویه مهندس بازرگان می‌گوید: «ما می‌دیدیم نهضت سرکوب شده؛ آزادی از بین رفته و جای عدالت را ظلم و ستم و فساد گرفته‌است (بازرگان، ۱۳۷۵: ۲۷۰/۱)، [بنابراین] همه کس مجبور است همه‌کاره شود. استاد دانشگاه هم به دادو فریاد سیاسی بپردازد» (بازرگان، ۱۳۵۰: ۱۶۲). با این نگرش نیروهای ملی و ملی-مذهبی به همراه چندی از روحانیون با تحلیل رویدادهای قبل از کودتا شکست نهضت ملی

را نتیجه وحدت و لو موقت دشمنان، تفرقه، غفلت و یا عدم آگاهی ارزیابی کردند. سپس با بررسی قدرت و امکانات خود برای مبارزه با دشمن مشترک و درک عمیق تر علل شکست نیروهای ملی در کودتا تشکیل سازمانی را، برای جبران تقصیر یا قصور فوق در جهت تشکیل وحدت ملی لازم دیدند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۷). بنابراین به عنوان اولین عکس العمل در برابر وضعیت فوق، اقدام به تشکیل «نهضت مقاومت ملی ایران» کردند. حرکتی که سلايق گوناگون فکری، دینی و سیاسی در آن جمع شد. این حرکت بر پایه اندیشه‌های جبهه ملی در حمایت از دکتر مصدق و دستاوردهای نهضت ملی از راه‌های مسالمت آمیز متعدد در پی آن بود تا در غیاب جبهه ملی همه فعالیت‌های رجال ملی و مذهبی را در ایران پس از کودتای ۱۳۳۲ سامان دهد و از ایجاد یأس و ناامیدی و انسداد سیاسی در ایران جلوگیری کند. با ذکر این مقدمه اکنون مقاله حاضر در صدد است تا به بررسی اندیشه شکل‌گیری، اهداف مبارزاتی، فعالیت‌ها و تأثیراتی بپردازد که نهضت مقاومت ملی موفق شد در فضای مملو از اختناق دهه ۱۳۳۰ برجای بگذارد.

پیشینه پژوهش

در خصوص نهضت مقاومت ملی منابع بسیار محدودی در دسترس است و در این زمینه کار علمی و مستقلى در محافل دانشگاهی در قالب رساله، پایان‌نامه و مقاله صورت نگرفته است. در این راستا در کنار اسناد منتشر شده این تشکیلات تحت عناوین صفحاتی از تاریخ معاصر ایران و حدیث مقاومت، و مباحثی که در لایه‌لای خاطرات اعضای سابق آن همچون مهدی بازرگان (شصت سال خدمت و مقاومت)، یدالله سحابی (یادنامه دکتر یدالله سحابی)، ابراهیم یزدی (شصت سال صبوری و شکوری)، مسعود حجازی (رویدادها و داوری‌ها) و... به چشم می‌خورد. مطالبی هم به صورت پراکنده در کتاب‌های تحقیقی چون در تکاپوی آزادی؛ حسن یوسفی اشکوری، زندگی‌نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان؛ سعید برزین، تاریخ بیست و پنج ساله ایران؛ غلامرضا نجاتی و... که درباره زندگی، آثار و افکار مهندس بازرگان موجود است. مباحثی که با رویدادها

و تحولات سیاسی نیم قرن اخیر ایران گره خورده است. اما شاید مهم ترین منبع در این خصوص کتاب «تداوم حیات سیاسی در اختناق» اثر وحید میرزاده باشد. در این اثر نویسنده در قالب مصاحبه با اعضا و فعالان این تشکیلات (چون آیت الله سیدرضا زنجانی، عزت الله سبحانی، ابراهیم یزدی، حسین شاه حسینی، امیرحسین پولادی، طاهر احمدزاده و...) روند فعالیت های آنان در نهضت مقاومت ملی، اوضاع و احوال سیاسی ایران در دهه ۱۳۳۰ و نقش و عملکرد نهضت مقاومت ملی را در این برهه تاریخی مورد بررسی قرار داده است. البته بخش عمده این گفتگوها پیش از این با همان عنوان تداوم حیات سیاسی در اختناق در شماره های مختلف نشریه ایران فردا سال ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است. با توجه به این امر پژوهش حاضر سعی دارد به صورت علمی و جامع به بررسی روند فعالیت و تشکیل این سازمان و اهداف و پیامدهای سیاسی اجتماعی ایران آن در فضای پس از کودتا تا اوایل دهه ۱۳۴۰ بپردازد. بر این اساس وجه تمایز و نقطه اصلی نوآوری آن با پژوهش های دیگر در همین امر است.

اندیشه تشکیل نهضت مقاومت ملی

اندیشه تشکیل نهضت مقاومت ملی در هفته اول پس از کودتا از سوی یکی از بازاریان تهران به نام «عباس رادنیا» در فضایی مملو از اختناق مطرح شد (برزین، ۱۳۷۴: ۱۰۹). با طرح این اندیشه، به تدریج فکر سازمان دهی نهضت مقاومت در میان سایر احزاب و طرفداران نهضت ملی که عمدتاً وابسته به جناح مذهبی آن بودند، رونق گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۵۸). این افراد برای نیل به هدف مذکور جلساتی با موضوع «سرنوشت وطن و استقلال و آزادی» آن ترتیب دادند (سحابی، ۱۳۷۷: ۱۲۵). در نهایت در اثر تلاش آنان، نطفه اولیه نهضت مقاومت ملی یک ماه بعد از کودتا در پیوند با «هیئت علمیه تهران» حول محور فعالیت های آیت الله حاج سیدرضا زنجانی تشکیل گردید. زنجانی از اعضای این هیئت بود که حرکت هایی را در میان روحانیت، تجار بازار و بعضی روشنفکران شروع کرده بود (Chehalis, 1990, P. 128-129) و مصاحبه

بصیرت منش با مهندس سحابی، بی تا: ۷۲ و ۱۶). اولین کارهای نهضت مقاومت توسط این هیئت انجام شد و از کانون‌های مبارزه نهضت مقاومت بود. این پایگاه که قبل از تأسیس نهضت مقاومت، از نهضت ملی و دکتر مصدق حمایت می کرد و در واقع نهضت مقاومت ملی از درون اعضای این هیئت ظهور کرد، نشریاتی را در راستای اهداف نهضت منتشر کرد (ملایی توانی، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۰ و میرابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۷۲). در این میان اولین نشست مربوط به تشکیلات نهضت مقاومت با حضور افرادی چون عباس رادنیاء، ناصر صدرالحفاظی، رحیم عطایی در منزل آیت الله زنجانی برگزار شد (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۰۶/۱) و آنها درخصوص دعوت از نمایندگان مورد اعتماد برای عضویت در سازمان جدید به مذاکره و تبادل نظر پرداختند و از مهدی بازرگان، یدالله سحابی، رحیم عطایی، عباس رادنیاء، عبدالله معظمی، حسین شاه حسینی، شاپور بختیار، فتح الله بنی صدر و عباس سمیعی برای شرکت در جلسات بعد دعوت به عمل آوردند. این افراد به همراه حسن نزیه که چند هفته بعد به این جمع پیوست، شورای مرکزی نهضت مقاومت ملی را تشکیل دادند (Chehalis, 1990, P. 129). در آن روزها جلسات نهضت مقاومت عموماً در منزل آیت الله زنجانی و گاهی در منزل صادق فیروزآبادی، مهندس اقلیدی، حاج حسن قاسمیه و یا در دفتر عباس سمیعی برگزار می شد (میرزاده، ۱۳۷۴ الف: ۵۴-۵۳).

در این جلسات برای تشکیلات مذکور اسامی مختلفی مطرح شد و سرانجام عنوان «نهضت مقاومت ملی» انتخاب گردید. در این راستا برخی از ناصر صدرالحفاظی (وکیل دادگستری) و برخی دیگر از شاپور بختیار به عنوان پیشنهاددهنده عنوان مذکور نام می برند. لکن آنچه مسلم است، این است که عنوان فوق از نام «جنبش مقاومت ملی ژنرال شارل دو گل» در فرانسه اقتباس گردیده است و هیئت اجرایی نهضت با آگاهی از روند فعالیت جنبش فوق تصمیم گرفت برای راه اندازی جریان مشابهی در ایران تلاش خود را آغاز کند (سحابی، ۱۳۷۷: ۱۲۵ و میرزاده، ۱۳۷۴ ب: ۳۰-۲۷ و بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۰۶/۱). پس از اینکه تشکیلات نهضت مقاومت انسجام یافت دکتر مصدق از طریق مهندس رضوی پیام تأیید و تشکری برای آنها فرستاد. با تصریح بر

اینکه؛ شما کاری را که ما فرصت و توجه نکرده بودیم، انجام دادید. با این تأیید نهضت مقاومت ملی رسماً پا به عرصه حیات نهاد و با شعار «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» که در آن زمان مترقی‌ترین و انقلابی‌ترین شعار بود کارش را آغاز نمود (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۷). اما مخارج نهضت در روند فعالیت آن یا اکثراً توسط تجار بازار همچون انواری، حسن قاسمی، مانیان و ظروفچی و... یا از طریق روحانیونی چون؛ آیت‌الله طالقانی، سیدرضا زنجانی، جلالی و غروی که وجوهات به آن‌ها داده می‌شد و یا حق عضویت بعضی افراد در رده‌های پایین کمیته‌ها تأمین می‌شد (میرزاده، ۱۳۷۴ الف: ۵۴-۵۳).

نیروهای تشکیل‌دهنده نهضت مقاومت ملی

در تشکیل نهضت مقاومت با دستگیری سران رده‌بالای نهضت ملی، ابتکار عمل سیاسی به دست صفوف پایین‌تر و غیرمشهور نهضت افتاد (برزین، ۱۳۷۴: ۱۰۹). هوشنگ شهابی آنان را گروهی از مصدقیان غیرمعروف می‌داند که بیشتر تمایلات غیرمذهبی داشتند و هدفشان احیاء استخوان-بندی ناسیونالیسم بود (Chehabi, 1990, P. 128-129). در واقع بسیاری از چهره‌های برجسته نهضت مقاومت، تا قبل از آن در هیچ تشکل سیاسی عضویت نداشتند، اما از مبارزات ملی دکتر مصدق حمایت می‌کردند. بعدتر با اضافه شدن جمعی از احزاب سیاسی، بازاریان و دانشگاهیان به نهضت، رهبران با تدوین ساختار تشکیلاتی، خط‌مشی و هدف نهضت مقاومت ملی را تبیین کردند. نهضت مقاومت با تشکیل کمیته‌های گوناگون، مبنای برنامه‌های تبلیغی و مبارزاتی خود را پیروی از راه مصدق و آرمان‌های او به‌عنوان عامل همبستگی و اتحاد مردم در جهت تداوم مبارزه علیه رژیم کودتا قرارداد (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۱۰/۵ و ملایی‌توانی، ۱۳۸۹: ۸۶).

به‌طور کلی در ترکیب نهضت مقاومت با وجودی که نهضت به‌هیچ شخصیت یا گروه خاصی تعلق نداشت و در کمیته‌های اجرایی آن افرادی از همه طبقات و نمایندگان احزاب وفادار حضور

داشتند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۷). سه طیف به‌عنوان سه پایه اصلی آن عمل می‌کردند. پایه اول بازاریان و کسبه تهران و دیگر متخصصان حرفه‌ای بودند که اولین و قدیمی‌ترین پایگاه نهضت مقاومت را تشکیل می‌دادند. پایه دوم دانشگاهیان و پایه سوم را چهار حزب «نیروی سوم» به رهبری محمدعلی خنجی، «ملت ایران» به رهبری داریوش فروهر (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۰۲/۱)، «مردم ایران» به رهبری محمد نخشب و حزب «ایران» به رهبری الهیار صالح تشکیل می‌دادند (بهرامی، ۱۳۸۳: ۸۰). علاوه بر این سه پایه باید از تعدادی از علمای عضو «فراکسیون ملی» که آیت‌الله سیدرضا زنجانی از اعضای آن به‌شمار می‌رفت و برخی از روحانیون مستقل چون آیت‌الله طالقانی، هم نام برد که در کنار این سه طیف در ترکیب نهضت مقاومت بسیار فعال ظاهر شدند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۰۲/۱).

طی این سال‌ها، آیت‌الله طالقانی با وجود فعالیت در نهضت مقاومت، جزو کادر مرکزی و تشکیلاتی آن نبود (مصاحبه بصیرت‌منش با مهندس سبحانی، بی‌تا: ۱۲۲). در آن دوران رسالت دینی آیت‌الله طالقانی، محدودیتی برای فعالیت در عرصه فرهنگی و سیاسی ایجاد نکرد. وی رسالت خود را فراتر از وظائف روحانیون سنتی می‌دانست و علاوه بر فعالیت مستمر در احزاب سیاسی، شناساندن قرآن و ارائه تفسیر جدیدی از آن را در محافل اجتماعی و دانشگاهی از اهداف اصلی خود در تغییر و اصلاح عملکرد حاکمیت قرار داد (ملایی توانی، ۱۳۸۹: ۸۹). این رفتار و کنش‌ها وی سبب شد تا جوانان جذب منش و بینش او شده و مسجد هدایت محل اقامه نماز و سخنرانی وی به پایگاه مهم تجمع دانشجویان دانشگاه تهران تبدیل شود. فعالیت آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت از محورهای اصلی تبلیغات کاربردی نهضت مقاومت ملی در آن برهه بود، که حساسیت ساواک نسبت به کنترل این مسجد را افزایش داد (ملایی توانی، ۱۳۹۰: ۱۰۵ و عزیزی، ۱۳۸۸: ۵۹).

با توجه به ترکیب فوق می‌توان از تشکیلات نهضت مقاومت ملی به‌عنوان یک تشکیلات مختلط ملی- مذهبی- سوسیالیستی (فارسی، ۱۳۷۳: ۵۸) با پایگاهی متعلق به طبقات متوسط سنتی و متوسط

نوین یاد کرد (گازیورسکی، ۱۳۷۱: ۳۴۲) که به گفته بنیان گذارانش دارای سازمان‌دهی نیمه‌علنی و نیمه‌مخفی بود (میرزاده، ۱۳۷۴: ۳۰-۲۷).

اهداف نهضت مقاومت ملی

نهضت مقاومت پس از آنکه به صورت یک سازمان منسجم درآمد خط‌مشی آینده نهضت را در اعلامیه هفتم شهریور ۱۳۳۲ در سه اصل ادامه نهضت و اعاده استقلال ملی، مبارزه علیه هرگونه استعمار خارجی اعم از سرخ و سیاه و مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشانده و عمال فساد را تعیین کرد (اسناد نهضت مقاومت ملی، ۱۳۶۳: ۱۰/۱). در کنار آن اهدافی همچون جمع‌آوری و تمرکز نیروهای پراکنده ملی-مذهبی برای مبارزه با دشمن در زمان و موقعیتی مناسب، مقابله با تلاش‌های رژیم کودتا در سرکوب و ریشه‌کن ساختن مقاومت مردم و افشاکردن توطئه‌های دستگاه، مقابله با اقدامات تبلیغاتی وسیع رژیم که سعی داشت کودتای خائنه ۲۸ مرداد را قیام ملی قلمداد کند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۳۰۸/۱) احیاء و ادامه مبارزه علیه شاه و آمریکا برای پیروزی یا رسوا کردن و توحید و تشکل ملیون و مسلمانان توأم با تدوین برنامه و ایدئولوژی، ایجاد ارتباط و هماهنگی و همکاری ما بین احزاب ملی و دسته‌های متشکل فعلی و آینده و... را هم برای خود ترسیم نمود (اسناد نهضت مقاومت ملی، ۱۳۶۳: ۸۸/۵).

نهضت برای نیل به اهداف فوق نیاز به جلب حمایت مردم و همبستگی میان آنها داشت. براین اساس بود که در برنامه تبلیغاتی خود، هدفشان را از ادامه مبارزه، «راه و روش مصدق و نهضت ملی» قرار دادند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۱)، به نحوی که تمام ایدئولوژی نهضت مقاومت ملی در کلمه مصدق خلاصه شد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۶۵/۲۴). بدین منظور در نشریات سیاسی و اجتماعی که منتشر کردند برای نشان دادن این حسن نیت خود نسبت به مصدق و آرمان‌های او، از نام وی به‌عنوان مختلف استفاده کردند. این عناوین در حقیقت مصداق خارجی طرز تفکر و هدف-هایی بشمار می‌رفتند که عملاً و رسماً از سوی آنان به‌عنوان خط‌مشی و هدف‌های نهضت مقاومت

ملی اعلام شده بود و درباره آن تبلیغ می کردند. البته انتخاب نام مصدق از سوی دیگر می توانست گویای نفوذ تفکر سیاسی مصدق در این حزب سیاسی نیز باشد (حجازی، ۱۳۷۵: ۲۰۸-۲۰۶). اولین نشریه نهضت مقاومت با عنوان «مکتب مصدق» به صورت نامرتب به چاپ رسید. اما از اواسط مهر ۱۳۳۲ که نهضت حالت تشکیلاتی پیدا کرد. نشریه خبری-تحلیلی «راه مصدق» جایگزین آن شد (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۵۸/۱). نشریه دیگر «نهضت مصدق» ارگان نهضت مقاومت ملی بازار بود که در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۳۳ چاپ می شد (حجازی، ۱۳۷۵: ۲۰۶). از دیگر نشریات می توان به «مصدق»، «خوزستان مصدق»، «مکتب مصدق» و... اشاره کرد. آن ها در حوادث مختلف هم اعلامیه هایی چاپ می کردند که به نوعی در ارتباط با مصدق و تأکید بر نام و خاطره او داشت. در این خصوص می توان به اعلامیه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳ اشاره کرد که آن ها به منظور روشن ساختن جهات مبارزه خود تحت عنوان «دکتر مصدق و نهضت ملی ایران از هم تفکیک نیستند» منتشر کردند (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۲/ ۵۶-۵۵ و ۲۶۶). با این تبلیغات و کوشش ها نهضت توانست در جذب اقشار مختلف جامعه موفق شود و در مدت کوتاهی نیروهای پراکنده را زیر پرچم مقاومت متمرکز سازد تا از تجارب رهبران و فعالان این احزاب سیاسی و نمایندگان آن ها برای سازماندهی کمیته های مرکزی، دانشگاه، بازار و هیئت اجراییه و... استفاده کند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۴/۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ساختار تشکیلاتی و ایدئولوژیکی - سیاسی نهضت مقاومت

ساختار تشکیلاتی نهضت مقاومت ملی

نهضت مقاومت در ابتدا از تشکیلات وسیعی برخوردار نبود و یا عملاً فاقد تشکیلات بود و مانند سایر تشکل های سیاسی، حوزه های تعلیماتی و جزوه های آموزشی نداشت و کارهایی که انجام می شد به صورت نظام مند نبود؛ بلکه بیشتر ابتکار شخصی افرادی چون رحیم عطایی، عباس رادنی، میرمحمدصادقی و محمدعلی خنجی و... بود که دو نفر اخیر بیشتر در نوشتن مقالات سهم بودند.

در این زمان آنان به همراه عده‌ای از شخصیت‌های موجه ملی و اسلامی، با صدور و توزیع اعلامیه مردم را به مقاومت در برابر دولت کودتا دعوت می‌کردند و در مقابل مردم هم با استقبال از این بیانیه‌ها و حضور در تظاهرات اقدامات آنان را تأیید می‌کردند. در اوایل تنها تشکیلات در نهضت مقاومت ملی «کمیته بین‌احزاب» بود اما به تدریج روشن شد که برای ادامه فعالیت‌ها، نهضت نیاز به تشکیلات و سازمان‌دهی نیروهای ملی دارد خصوصاً که احزاب ملی، غیر از حزب ملت ایران داریوش فروهر از نهضت مقاومت کناره‌گیری کرده بودند (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۶۳/۱). بنابراین بنیان‌گذاران نهضت در اولین طرح سازمانی پیشنهاد کردند یک کمیته مرکزی رهبری تشکیل شود و مسئول تعیین کمیته اجرایی و سیزده نهاد اجرایی و منطقه‌ای باشد. اما این شکل سازمانی نه تنها هرگز به اجرا گذاشته نشد، بلکه سازمان بسیار کوچک‌تری از آن هم شکل نگرفت. این طرح نشان می‌دهد که سیاست پیشنهاددهندگان که ارزیابی واقعی از توان سیاسی خود نداشتند بیشتر بر تأمین منافع صنفی نهادهای مختلف اجتماعی استوار بوده است. بر همین اساس پانزده عضو اول خود را از نمایندگان مجلس شورا، کارمندان دولت، اساتید دانشگاهی، اصناف بازار، روحانیان و البته کادرهای احزاب انتخاب کردند. اما اختلاف درباره سیاست و تشکیلات به‌زودی بروز کرد و اجازه نداد که حتی این گروه پانزده نفری فعالیت منظم داشته باشند. بنابراین اعضای شورای مرکزی به هشت نفر تقلیل یافت و کارها به‌سختی افتاد و برخلاف اوایل کار، صفوف پایین‌تر نهضت مقاومت اراده سیاسی بیشتری از خود نشان دادند و نقش‌شان در پیشبرد اهداف نهضت چشمگیرتر شد. اما شرایط فعالیت سخت گردید و روحیه مبارزه‌طلبی و همکاری سیر قهقرایی پیدا کرد و سرانجام با کم‌شدن نیروهای سیاسی، نهضت مقاومت با مشکلات اساسی روبه‌رو گردید (برزین، ۱۳۷۴: ۱۱۰-۱۱۱). با این مشکلات بود که نهضت به تشکیل یک‌سری تشکیلات بدین ترتیب برآمد:

کمیته مرکزی: این کمیته با ترکیب آیت‌الله سیدضیاءالدین حاج‌سیدجوادی، سیدرضا زنجانی، سید محمدعلی انگجی، موسوی جلالی، سید ابراهیم میلانی، آقا فضل‌ی، یدالله سبحانی، رحیم عطایی،

مهدی بازرگان، احمد آسایش، طاهر احمدزاده، محمدتقی شریعتی، علی شریعتی و افرادی از حزب ایران (میرزاده، ۱۳۷۴: ۳۲-۳۰ و بازرگان، ۱۳۹۱: ۳۶/۲۳)، به منزله شورای مرکزی نهضت مقاومت ملی بود و باید در مقام تأسیس سازمان‌های قانونی چون؛ سازمان درستکاران، سازمان طرفداران قانون اساسی در سازمان مبارزه با بی‌سوادی، برمی‌آمد. نهضت مقاومت با تشکیل این کمیته مرکزی که منتخب از افراد متعلق به جناح‌های مختلف ملی بود، تأسیس‌کننده رهبری دسته‌جمعی در ایران است (بازرگان، ۱۳۸۷: ۴۴۷/۱۵). از اهداف این کمیته می‌توان به؛ تعیین خط‌مشی سیاسی و عمومی نهضت، مطالعه و ابلاغ برنامه‌های عمومی و نظارت در فعالیت‌های نهضت، مطالعه و تصویب همکاری‌ها و ارتباط‌ها و ائتلاف‌های لازم، تصمیم راجع به انتخابات و تعیین نامزدها، اجازة امر از مقامات حساس دولت در مورد اعضای کمیته‌های اجرایی و اصلی، حکمیت و رفع اختلاف ما بین سازمان‌ها و... اشاره کرد (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۱۱/۵-۱۰).

هیئت اجرائیه: این هیئت که بالاترین مقام تشکیلاتی نهضت مقاومت بود از یک‌طرف نماینده کمیته مرکزی و از طرف دیگر از سوی نهضت مسئول حسن جریان امور و کمیسیون‌های چهارگانه تشکیلات تهران، تشکیلات شهرستان‌ها، کمیسیون مالی و تبلیغات بود که هر کدام از این کمیسیون‌ها دارای پنج عضو بودند (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۱۴/۵). اعضای این هیئت عبارت بودند از؛ مهندس سحابی، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، مهندس بازرگان، رحیم عطایی، عباس رادنیای، حسن نزیه، عباس امیرانتظام، محمدعلی خنجی، داریوش فروهر، نصرت‌الله امینی و عباس سمیعی (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۳۶/۱).

کمیته‌های هفت‌گانه: این کمیته‌ها که شامل کمیته دانشگاه، بازار، ادارات، روحانیون، بین‌الاحزاب، انتشارات و تبلیغات، و اجرایی بودند، وظایف متفاوتی به شرح ذیل برعهده داشتند.

کمیته دانشگاه: این کمیته که مسئولیت آن برعهده یدالله سحابی بود (سحابی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). اولین و مبرم‌ترین وظیفه‌اش، بسیج دانشجویان و سازمان‌دهی آن‌ها برای مقابله با دولت کودتا

بود (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۳۵/۱ و یزدی، ۱۳۹۴: ۲۲۴/۱). مهدی بازرگان معتبرترین رابط نهضت مقاومت با دانشگاه بود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۲۵/۱).

کمیته بازار: به لحاظ اقتصادی پشتوانه خوبی برای نهضت محسوب می شد (سحابی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). افراد تشکیل دهنده آن عباس رادنی، حسن شمشیری، نوروز علی لباسچی، محمود مانیان، محمدتقی انواری، احمد حریری، حسن میرمحمدصادقی، حسن قاسمیه، ابراهیم کریم آبادی، عباس سمیعی، احمد توانگر، حاج غلامحسین اتفاق و... اولین گروهی بودند که در پی همکاری با سازمان دهندگان نهضت مقاومت برآمدند (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۳۵/۱).

کمیته ادارات: متشکل از هزاران تن از کارکنان ادارات بود و بعد به تدریج به یک شبکه وسیع تبدیل شد. این کمیته به نحوی رابط اداره‌ها با نهضت مقاومت بود (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۸/۱).

کمیته روحانیون: در این کمیته روحانیون فعال چون سید ضیاءالدین حاج سیدجوادی، جلالی موسوی، سید محمود طالقانی، رضوی قمی، سید باقر رسولی، شیخ آقابزرگ تهرانی، سیدرضا زنجانی، آیت‌الله سید جعفر غروی و... برای مردم جا انداخته بودند که مبارزه سیاسی برای آزادی و استقلال عین دین و مذهب است.

کمیته بین احزاب: وظیفه هماهنگ ساختن فعالیت احزاب سیاسی با دیگر ارگان‌های نهضت مقاومت را برعهده داشت.

کمیته اجرایی: هماهنگ کننده تصمیمات رهبری و ابلاغ آن به کمیته‌های اصلی به منظور اجرای برنامه‌ها بود و به منزله ستاد عملیات نهضت مقاومت عمل می کرد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۳۳۶-۳۳۵ و سحابی، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

کمیته انتشارات و تبلیغات: وظیفه پخش تراکت‌ها، اعلامیه‌ها و نشریات نهضت مقاومت در شهرستان‌ها و شهرها را برعهده داشت (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۵۵/۱ و نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۸/۱).

در این راستا از کمیته‌های دیگری چون کمیته ایالتی، شهرستان‌ها، سیاسی، مالی، انتخابات، (بازرگان، ۱۳۹۱: ۳۳۶/۱) کارگری، دهقانی، مدارس و محلات نیز نام برده شده است (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۱۴/۵). باین حال کمیته مرکزی و کمیته‌های دانشگاه تهران و بازار، مرکز ثقل نیروهای مقاومت در برابر رژیم کودتا بودند و فعال‌ترین نهاد سیاسی نهضت مقاومت به‌شمار می‌رفتند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۱).

ساختار ایدئولوژیکی - سیاسی نهضت مقاومت

در ساختار ایدئولوژیکی - سیاسی نهضت مقاومت می‌توان به یک سری موضوعات اصلی و فرعی به ترتیب ذیل اشاره کرد:

موضوعات اصلی: شامل اندیشه ضداستعماری ملی و مبارزه علیه تسلط بیگانگان، تأکید بر آزادی‌های سیاسی دموکراتیک و اقتدار عمومی، ضرورت رهبری مقتدر، توجه به مذهب برای جلب افکار عمومی بودند.

موضوعات فرعی: شامل تأکید بر سیاست بی‌طرفی در امور بین‌المللی و ضرورت سازمان‌دهی مقاومت در برابر دولت می‌شدند.

علاوه بر این عناوین، برخی موضوعات چون توسل به مذهب برای جلب افکار عمومی، توجه به درگیری‌های طبقاتی، مخالفت با طبقه مَلَاک وجود داشت که کمتر مورد توجه اعضای نهضت بودند (برزین، ۱۳۷۴: ۱۱۲).

مهم‌ترین فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی

نهضت مقاومت ملی نخستین حرکتش را زمانی آغاز کرد که حکومت نظامی دولت سپهبد زاهدی در اولین اعلامیه خود، لزوم تعطیل عمومی را تا دستور ثانوی اعلام کرده بود و سپس عصر روز جمعه ۳۰ مرداد ۱۳۳۲ دستور باز کردن بازار و ادارات را صادر نمود. در این زمان

نهضت با دادن پیام‌هایی مانع از باز کردن مغازه‌ها شد. سران نهضت به منظور خنثی کردن تبلیغات دولت، طی اعلامیه‌ای به امضای آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی، آیت‌الله سید باقر رسولی و آیت‌الله رضوی قمی، دستور بازگشایی بازار و دیگر دکان‌ها را در سطح شهر قبل از ورود شاه صادر کردند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۲/۱-۱۰۱).

دومین اقدام آنها، پخش اعلامیه‌ای تحت عنوان «نهضت ادامه دارد» بود این اعلامیه در هفتم شهریور ۱۳۳۲ در تهران به وسیله آیت‌الله سیدرضا زنجانی، عباس رادنیاء، حسین شاه‌حسینی، فتح‌الله بنی‌صدر و رحیم عطایی پخش شد. با این اعلامیه و انتشار نشریه «راه مصدق» بود که آنان به مبارزات خود سامان بخشید. اما کار عمده نهضت مقاومت در دوران فعالیتش ارسال نامه به سفارتخانه‌ها و مقامات، دادن اعلامیه در مورد حوادث مهم و ترتیب دادن برخی از تظاهرات آن دوره علیه حکومت بود (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۱). هرچند که نهضت با این مخالفت‌های خود نتوانست مانع از اقدامات رژیم شود. اما توانست موجبات آگاهی بیشتر مردم را نسبت به این اقدامات فراهم آورد. از مهم‌ترین فعالیت‌های آن می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

تظاهرات ۱۶ مهر ۱۳۳۲: در اعتراض به حبس و محاکمه دکتر مصدق، شایگان و رضوی صورت گرفت (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۲۶/۱).

اعلام اعتصاب عمومی در روز ۲۱ آبان ۱۳۳۲: به مناسبت ورود دنیس رایت کاردار سفارت انگلیس و برقراری رابطه مجدد سیاسی ایران و انگلیس بود. نهضت این روز را تعطیل عمومی اعلام کرد که با موفقیت همراه گردید (سجایی، ۱۳۸۸: ۱۶۸/۱).

تظاهرات ۱۶ آذر ۱۳۳۲: در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس و ورود ریچارد نیکسون معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ایران برای به جریان انداختن نفت ملی‌شده ایران در بازار غرب صورت گرفت (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۱۴/۱).

قرارداد کنسرسیوم: این قرارداد در اوایل ۱۳۳۳ و پس از انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی و افتتاح آن، توسط علی‌امینی وزیر دارایی کابینه سپهبد زاهدی در مجلس مطرح شد که

حاصل مذاکرات وی با پیچ رئیس کنسرسیوم نفت بود. در چنین شرایطی نهضت مقاومت ملی که برنامه‌اش روشن ساختن افکار مردم نسبت به ماهیت قرارداد کنسرسیوم و هشدار به نمایندگان بود که مأمور تصویب این قرارداد تحمیلی بودند، با انتشار سه نشریه به‌طور مشروح نیت استعماری کنسرسیوم را فاش کرد و عدم تطبیق مفاد قرارداد را با قانون ملی‌شدن نفت خاطر نشان کرد. نهضت مقاومت نامه‌هایی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و فارسی تهیه کرد و برای اعضای هیئت نمایندگی کنسرسیوم که به ایران آمده بودند و نیز آمریکایی‌های مقیم تهران فرستاد و با انتشار تراکت‌ها و اعلامیه‌های دیگر به طرح این قرارداد در مجلس اعتراض کرد و آن را سند بردگی در تاریخ ایران ذکر کرد (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۲۳/۱-۳۲۲). در ادامه این مخالفت‌ها، به ابتکار عبدالله معظمی اطلاعیه‌ای در مهر ۱۳۳۳ با عنوان «اعتراض شخصیت‌های اسلامی و ملی علیه قرارداد کنسرسیوم به مجلس شورا و سنا» انتشار پیدا کرد و حدود هفتاد نفر از رجال سیاسی، دینی و ملی از سرشناسان دانشگاه، ادارات، بازار و معتمدین چون آیت‌الله زنجانی، فیروزآبادی، طالقانی، یدالله سبحانی، مهدی بازرگان، مهندس انتظام، شاپور بختیار، محمد نخشب، محمدعلی خنجی و.... آن را امضاء کردند و با طرح لایحه قرارداد کنسرسیوم در مجلس اعتراض نمودند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۲۷/۱). پس از انتشار این اعلامیه دولت زاهدی با اخراج دوازده تن از استادان دانشگاه و (بازرگان، ۱۳۵۰: ۱۵۷) اخراج کارمندان دولتی، بستن حساب‌های بانکی و اعتبار بازاریان و شکستن در و پنجره حجره‌های آنان به اعتراضشان پاسخ داد. در نهایت این فعالیت‌ها مؤثر واقع نشد و مجلس با اکثریت آراء لایحه مزبور را به تصویب رساند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۲۷/۱).

مخالفت با انتخابات مجلس هجدهم: برای تصویب لایحه قرارداد کنسرسیوم، شاه و زاهدی در آذر ماه ۱۳۳۲ در نظر داشتند، مجلسی نظیر مجلس نهم قانون‌گذاری در دوره رضاشاه به‌وجود آوردند که قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس را تصویب کرد. اما نهضت مقاومت ضمن مخالفت با این تصمیم درصدد خنثی کردن اقدامات رژیم برآمد. آنها این بار با شعار «یا پیروز

می‌شویم یا رسوا می‌کنیم». وارد میدان مبارزه شدند و «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات» را با هدف تهیه مدارک دال بر بطلان انتخابات و عدم آزادی‌های لازم برای شرکت در انتخابات تأسیس کردند (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۲۷۸/۵). علاوه بر این نهضت مقاومت نامه‌ای به امضای بیست نفر از شخصیت‌های سیاسی و دانشگاهی به وزارت کشور در مورد شرایط برگزاری انتخابات منتشر کرد که در آن لغو مقررات حکومت نظامی حداقل یک ماه قبل از شروع انتخابات، آزادی تشکیل جلسات و گردهمایی‌ها به مردم و تأمین آزادی واقعی تمام طبقات، لغو محدودیت در آزادی مطبوعات بر طبق قوانین و مقررات حاضر و... را خواستار شد (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۵: ۴۴-۴۵/۱). آنان در شعارها و اعلامیه‌های خود آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات اعلام داشتند و نامه‌ها و شکایات و اعلام جرم‌هایی در مورد آزاد نبودن انتخابات و رسوا کردن دولت در داخل و خارج از کشور منتشر ساختند تا آنجا که نسبت به غیرقانونی بودن انتخابات به سازمان ملل شکایت کردند (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۱۸/۱ و اسناد نهضت مقاومت: ۱۱۵/۱). سرانجام به‌رغم اینکه فعالیت‌های آنها در زمینه اعتراض به آزاد نبودن انتخابات به روشن ساختن افکار عمومی به طرز چشمگیری کمک کرد، انتخابات مجلس هیجدهم طبق نظر دولت زاهدی برگزار شد و کسی از نامزدهای مذکور به مجلس راه نیافت (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۵۵-۵۶/۲). اگرچه نهضت مقاومت ملی با شرکت در انتخابات پیروزی به‌دست نیامد ولی فعالیت‌های انتخاباتی آنها توانست، بستری برای حضور مردم در صحنه و تظاهرات اعتراض‌آمیز به حوادثی که در انتخابات رخ داد، فراهم آورد (بیزدی، ۱۳۹۴: ۲۴۹/۱).

اعضای نهضت علاوه بر دخالت در مسائل داخلی فوق‌درباره برخی از مسائل خارجی نظیر کودتای یمن، پیمان‌های اتریش و پاریس، مسئله ایران، پیمان‌های خاورمیانه، موضوع اتحاد مصر و سوریه، اقدامات کشورهای دست‌نشانده، در ملی‌شدن کانال سوئز نیز یک رشته اعلامیه انتشار دادند (مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۸۶).

شکل‌گیری اختلافات در نهضت مقاومت ملی و انحلال آن

سران نهضت مقاومت در پاییز سال ۱۳۳۶ به ابتکار عبدالله معظمی جزوه ۲۴ صفحه‌ای تحت عنوان «نفت» منتشر کردند. این جزوه در مخالفت با امضای قراردادی بود که به منظور استخراج و بهره‌برداری نفت از حوزه خلیج فارس قرار بود با یک شرکت ایتالیایی به نام «آجیپ» منعقد شود. در جزوه مذکور آنان با ارائه شواهد و دلایل مستدل تلاش کردند واقعیت‌های مربوط به قراردادهای معمول در جهان و زیانی را که در قرارداد با شرکت آجیپ متوجه ایران می‌گردید، تشریح کنند. اما انتشار این جزوه که در محافل خارجی انعکاس وسیعی داشت نشانه آگاهی و هوشمندی ایرانیان در تحلیل مسائل نفت و اوضاع اجتماعی-سیاسی تلقی گردید و منجر به تبعید و زندانی شدن سران نهضت مقاومت در تهران و شهرستان‌ها شد (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۱).

پس از آن، نهضت که از مدت‌ها پیش در اثر دستگیری سرانش به خاطر قرارداد کنسرسیوم ضعفش آغاز شده بود، به تدریج روبه‌زوال نهاد. در این راستا دستگیری آیت‌الله زنجانی در همین سال نیز تأثیر غیرقابل‌انکاری بر تعطیلی نهضت گذاشت. هرچند که وی سرانجام با فشار حوزه علمیه قم و تذکرات شدید آیت‌الله بروجردی از زندان آزاد شد و به حالت تبعید روانه زادگاه خود شد اما عملاً موجبات رکود کامل نهضت مقاومت را فراهم کرد (شیخ فرشی، ۱۳۷۹: ۱۶۴).

نهضت اگرچه طی سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۹ همچنان به فعالیت خود ادامه داد، اما به تدریج از هیجانات اولیه آن کاسته شد و همچون گذشته تحرکی در فعالیت‌هایش به چشم نمی‌خورد (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۷۹/۱). طی این سال‌ها نیز نهضت با مشکلات دیگری از سوی حکومت مواجه شد و به‌خاطر ثبات داخلی و بین‌المللی رژیم و ضربات سنگین آن به نیروهای سیاسی آنها را از ادامه مبارزه ناامید کرد. مجموع این مشکلات سبب گردید تا به‌جز فعالیت‌های محدود و فردی پاره‌ای از چهره‌های فعال آن مانند رحیم عطایی، عباس سمیعی، عباس شیبانی و عباس امیرانتظام هیچ‌گونه فعالیت جدی در مخالفت با رژیم از سوی آنها ظاهر نشود و عمده فعالیت‌های آنان منحصر به تشویق مردم برای ادامه مبارزه گردد. در این دوران رکود از جمله اقداماتی که این

افراد انجام دادند تهیه گزارشی از ایران بود که توسط عباس امیرانتظام به یک خبرنگار آمریکایی داده شد و او آن را در آمریکا منتشر کرد که بازتاب‌هایی را در ایران و آمریکا به دنبال داشت. در داخل ایران شاه و ساواک و نمایندگان مجلس، با عباراتی نظیر «آنهايي که از تاریکی شب استفاده می‌کنند و به بیگانگان پیام می‌رسانند» با آن بیانیه برخورد کردند (سحابی، ۱۳۸۸: ۲۱۷/۱). اما در بررسی علل و عوامل تأثیرگذار بر ضعف نهضت مقاومت از سوی فعالان و بنیان‌گذاران و نویسندگان، سال‌ها بعد دلایلی هم دیگر عنوان شده است که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

وجود اختلافات درونی و رقابت‌های شخصی میان رهبران نهضت: این مسئله که حاصل خلیقات و روحیات متفاوت بود موجب شکاف میان رهبران و گروه‌های سیاسی عضو نهضت مقاومت شد. اختلافات سیاسی میان آنان را بیش‌ازپیش دامن زد و مبارزه آنها را با مشکلات جدی روبه‌رو کرد (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۷۸/۱ و کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۶۸).

سرکوب و فشار حکومت کودتا و عدم تجربه کافی و تخصص سیاسی لازم رهبران برای مهار اوضاع: این عامل به تدریج اثر منفی خود را بر همکاری‌های جمعی ظاهر کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۵۱). جلال‌الدین فارسی در این خصوص می‌گوید: «رهبری آن به نسبت‌های مختلف فاقد شرایط لازم رهبری و سازمان‌دهی بود. یکی از شرایط لازم تعهد رهبری نسبت به احکام اسلامی و ایمان به مقدسات مردم بود. شرط دیگر این بود که رهبری نهضت فاقد آمادگی تحمل رنج و حبس یا آمادگی فداکاری در راه هدف‌های بزرگ ملی بود» (فارسی، ۱۳۷۳: ۶۰). به گفته برزین بنیان‌گذاران نهضت مقاومت هنوز در فکر دوران اقتدار جبهه ملی بودند و ارزیابی واقعی از توان سیاسی خود نداشتند (برزین، ۱۳۷۴: ۱۱۰).

ضعف تشکیلاتی و سازمانی: مهم‌ترین مسئله تاکتیکی نهضت مقاومت که به تدریج به یک مسئله استراتژیک تبدیل شد، و منجر به عدم تهیه و تدارک لازم برای اجرای برنامه‌های آنها گردید. در این خصوص نهضت برای جلوگیری از ضعف تشکیلاتی دو سیاست در پیش گرفت؛ نخست

جزواتی منتشر کرد و در آن‌ها رهنمودهایی برای گفتگوی درون‌سازمانی و مسائل عقیدتی آورد و سپس از سازمان‌ها و فعالین مستقل سیاسی دعوت کرد تا فعالانه و در هماهنگی باهم وارد صحنه سیاست شوند. اما مسئله سازمان‌دهی نیروهای سیاسی به تدریج ابعاد وسیعی به خود گرفت و در درون نهضت مقاومت زمینه نارضایتی و اختلاف نظر را فراهم آورد (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۲۳/۱-۱۲۴).

نداشتن تجربیات کافی کادرها و افراد در مبارزات مخفی و عدم توجه به مسئله رازداری در عملیات مخفی: ناآشنا بودن افراد به اهمیت مبارزه مخفی موجب شد تا تصمیمات کمیته‌ها قبل از به اجرا درآمدن توسط کمیته‌های حزبی به اطلاع دستگاه‌های انتظامی و اطلاعاتی برسد و برنامه‌ها با عدم موفقیت همراه شوند (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۳۹/۱).

آشنا نبودن مردم به اهمیت کار تشکیلاتی و دسته‌جمعی: این خصیصه موجب شد تا نیروهای اصیل ملی و مردمی که در صحنه سیاست حضور داشتند، حاضر به پیوستن به این سازمان نشوند و اعتمادی به رهبران نهضت نکنند. در مقابل رهبران نیز در مدت هشت سال فعالیت خود موفق به جلب اعتماد و همکاری مردم مخالف نشدند (فارسی، ۱۳۷۳: ۶۰).

مسئله اختلافات درون‌حزبی و اختلافات احزاب تشکیل‌دهنده نهضت مقاومت با یکدیگر: خودبینی، برتری‌طلبی، توقعات و انتظارات، احراز عناوین حزبی، عدم ظرفیت تحمل شکست ۲۸ مرداد و یکدیگر را مسئول آن دانستن و.... باعث رنجش و ناراحتی و اعتراض رهبران و کادرها نسبت به حزب خود و دیگر احزاب شد و موجب وقفه در اجرای عملیات و تصمیمات آنها گردید (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۱۰/۱-۳۰۹ و نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۵/۱). این اختلافات در احزابی چون؛ نیروی سوم، حزب ایران، مردم ایران، ملت ایران چشمگیرتر بود در نتیجه همین اختلافات بود که محمدعلی خنجی و همراهانش که تا سال ۱۳۳۵ در نهضت مقاومت عضویت داشتند، بر سر مسئله خاورمیانه و بدبینی که به جمال عبدالناصر داشتند با دیگران اختلاف عقیده پیدا کردند و از نهضت مقاومت جدا شدند (سحابی، ۱۳۷۷: ۱۲۶).

اختلاف نظر بین سران نهضت با کادرهای درجه اول احزاب فعال در نهضت مقاومت: هرچند در ابتدا همه احزاب و دستجات ملی، آمادگی خود را برای همکاری با نهضت مقاومت ابراز نمودند اما در عمل آن طور که انتظار می رفت، همکاری صورت نگرفت و کار به جایی رسید که بعد از سالگرد قیام ۳۰ تیر در سال ۱۳۳۳ جلسات نهضت مقاومت، بدون حضور نمایندگان احزاب تشکیل می شد (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۱۰/۱-۳۰۹ و نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۰۵/۱). در این میان پس از تصویب قرارداد کنسرسیوم در آبان ۱۳۳۳ بین رهبران نهضت با سران احزاب درباره مسئله اتخاذ تاکتیک در برابر دولت و حامیان خارجی آن (برزین، ۱۳۷۴: ۱۲۸) و استراتژی آینده نهضت اختلافاتی به وجود آمد و منجر به تقسیم آنان به دو دسته محافظه کار و رادیکال شد. گروه محافظه کار که در رأس آن حزب ایران قرار داشت، تحلیلش این بود که رژیم کودتا با داشتن مجلس و نهادهای مربوطه یک رژیم قانونی مورد شناسایی کشورهای جهان است و با تصویب قرارداد کنسرسیوم و دریافت کمک های خارجی، وضع اقتصادی دولت روزبه روز بهتر خواهد شد. بنابراین باید آن را به عنوان یک واقعیت پذیرفت (Chehabi, 1990, P. 129-131) و با حفظ شعارهای پیشین خود، رژیم برخاسته از کودتا را به رسمیت شناخت. نهضت مقاومت می باید روش های قهرآمیز را که موجودیت دولت و رژیم را به رسمیت نمی شناسد، کنار بگذارد (سجابی، ۱۳۸۳: ۱۱۲ و سجابی، ۱۳۸۸: ۱۸۳/۱) و به صورت اپوزیسیون عمل کند و اعتراضات خود را متوجه برخی مسائل ملموس تر همچون وجود برخی وزیران، تحت نظر بودن مصدق، عدم آزادی مطبوعات سازد (نوذری، ۱۳۸۷: ۶۹). اما در مقابل جناح رادیکال چون آیت الله سیدرضا زنجانی، بازرگان، سنجابی، رحیم عطایی، رادنی و.... معتقد بودند؛ حکومت یک رژیم کودتایی است که به وسیله آمریکا و انگلیس با براندازی دولت قانونی و ملی مصدق و ایجاد ارباب و وحشت روی کار آمده و در پناه سرنیزه حکومت می کند. این حکومت به رغم برخورداری از مجلس، ماهیتش عوض نشده و فاقد مشروعیت است (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۲۳/۱). بر این اساس به هیچ عنوان با ارکان آن حاضر به مصالحه نبودند و بر معرفی شاه به عنوان عنصر و عامل اصلی

رژیم تأکید داشتند، لذا این اختلافات سبب جدایی حزب ایران شد (-Chehabi, 1990: 131). متعاقب این اختلاف، مورد دیگر مربوط به ترکیب سازمانی نهضت مقاومت بود که اعضای حزب ایران و طرفداران محمدعلی خنجی و جمعی دیگر بر این عقیده بودند که نهضت باید نماینده احزاب و مردم باشد اما بنیان‌گذاران نهضت مخالف این عقیده بودند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۲۳/۱).

تأثیرات و پیامدهای تشکیل نهضت مقاومت ملی بر فضای سیاسی ایران

اندیشه تشکیل نهضت مقاومت در دوران بعد از کودتا تلاشی جهت آگاهی‌دادن به مردم و دمیدن روح مقاومت و مبارزه در آنها بود. چون به دلیل اختناق حاکم و تعطیل‌بودن فعالیت احزاب و تشکلهای سیاسی، تنها پایگاه‌های مخفی، می‌توانستند اندکی فعالیت کنند. با بررسی روند فعالیت نهضت می‌توان بر این امر تأکید کرد که اهمیت سازمان مذکور نه به فعالیت‌های ناچیز و محدود آن یا به وسعت سازمانی و یا شیوه فعالیت آن، بلکه به وضعیت سیاسی بستگی داشت که اتخاذ کرده بود و آن مقاومت در درون کشور طی سال‌های اختناق پس از کودتا بود. نهضت مقاومت در مقطعی که تمام احزاب داخلی غیرمستقیم یا آشکار تصمیم به حمایت از کودتا گرفته بودند، از طریق تبلیغات، بیانیه‌ها و نیز تظاهرات متعددی که ترتیب داد، علیه فقدان آزادی دموکراتیک و به‌ویژه تفتیش رسمی انتخابات فریبکارانه و حکومت‌نظامی اعتراض نمود. طی این سال‌ها موقعیت آن بر پایه دفاع از قانون اساسی و حقوق دموکراتیک ملت استوار بود که در کشور ارج نهاده می‌شد و این امر در زیر سؤال‌بردن مشروعیت رژیم بسیار تأثیر داشت (جهانبخش، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۰۵). از سوی دیگر، نهضت طی سال‌های فعالیت خود توانست به ایجاد ارتباط و همکاری مابین احزاب و دستجات مختلفی بپردازد که خواهان استقلال و آزادی ایران بودند (اسناد نهضت مقاومت، ۱۳۶۳: ۱۰/۵).

نهضت مقاومت همچنین به زنده نگه داشتن تفکر ملی کمک کرد و باعث شد تا این تفکر در صحنه سیاسی ایران به عنوان یک جریان بانفوذ و مطرح باقی بماند. از سویی جریان ملی- مذهبی را که وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شده بود، در ادامه حرکت ایدئولوژیک خود پایدارتر کرد و آنها هم‌زمان با فعالیت سیاسی- فرهنگی خود در نهضت مقاومت درصدد برآمدند تا با محور قراردادن یک ایدئولوژی برآمده از باورهای مذهبی در جامعه، پشتوانه اعتقادی اصیلی را برای ایجاد یک جنبش انقلابی در آینده تدارک ببینند (رادنیا، ۱۳۷۷: ۳۸۳). بنابراین نهضت مقاومت ملی به لحاظ خط‌مشی فکری توانست، مبارزات سیاسی را به سمت و سویی ببرد که منجر به پیوند و همبستگی دو رویکرد ملی و مذهبی گردد. در حقیقت نهضت مقاومت ملی، حرکت نوینی در مبارزات بود که به لحاظ فکری و نظری نه ملی‌گرا بود و نه مذهبی. بلکه تلفیقی از هر دو رویکرد بود که در جمع‌آوری و تمرکز نیروهای ملی، مذهبی و سازمان‌دهی آنان، تلاش بسیاری کرد. این امر از دلایل اقبال مردم به نهضت و گستردگی تشکیلاتی آن بود (بسته‌نگار، ۱۳۷۸: ۲۴/۱ و میرزاده، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۸). به دنبال این استدلال‌ها بود که از سوی آنها به صورت متناوب انجمن‌های اسلامی گوناگون برای فعالیت‌های فرهنگی شکل گرفتند تا از تفرقه و پراکندگی هواخواهان خود جلوگیری، و آنان را تا فرارسیدن فرصت مناسب و تجدید فعالیت علنی نگاه دارند (رادنیا، ۱۳۷۷: ۳۸۳). لیکن در این دهه، در کنار این تشکل‌ها، نیروهای مذکور فعالیت‌های فرهنگی-سیاسی دیگری چون نوشتن کتاب، سخنرانی‌های مذهبی-سیاسی در جمع تحصیل کرده‌ها و چاپ کتب و جزوات داشتند که به سهم خود نقش بارزی در جذب گروه‌هایی از دانشجویان و تحصیل کرده‌ها به مذهب و مسائل سیاسی ایفا کردند (آل سید غفور، ۱۳۷۶: ۳۸۸-۳۹۰).

نهضت مقاومت ملی که شناخت رویدادهای این ایام بدون توجه به نقش حیاتی و کارکرد مؤثر آن امکان‌پذیر نیست، در آن مقطع تاریخی که افزایش رفت‌وآمدهای دولتمردان آمریکایی و انگلیسی به ایران و بازداشت‌های بی‌ضابطه فرمانداری نظامی جامعه را به سوی وقوع درگیری

جدید سوق داد، از راه‌های گوناگون تبلیغات، بیانیه‌ها و تظاهرات توانست به افشاگری علیه رژیم پردازد و نقش فعالی را در جهت استقلال، آزادی و استقرار حاکمیت ملی و همچنین مقاومت و ایستادگی مردم در برابر کودتاچیان ایفا نماید. نهضت در دهه ۱۳۳۰ توانست با فعالیت زیرزمینی منظم جهت متشکل نمودن نیروها و آموزش آنها نقش مؤثری را در مبارزات پیش‌رو ایفا نماید. سازمانی که هرچند با اهداف بزرگی آغاز به کار کرد، و در طی مسیر بنا به دلایل مختلفی دچار رکود و درنهایت انحلال شد، اما برای نخستین بار توانست نیروهای مختلف ملی، مذهبی و روحانی را برای هدفی مشخص و مشترک یعنی دفاع از دستاوردهای نهضت ملی، دفاع از راه و روش مصدق و تدوین یک برنامه و ایدئولوژی مناسب جهت متشکل نمودن نیروهای مختلف برای مبارزه با دشمن در زمان و موقعیتی مناسب، در برابر دولت پس کودتا گردهم آورد و با فعالیت‌های مسالمت‌آمیز از یک سو فقدان آزادی و مشروعیت رژیم را زیر سؤال ببرد و از سوی دیگر به زنده نگه داشتن تفکر ملی کمک کند و در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در اوایل دهه ۱۳۴۰ مؤثر واقع شود.

در نهایت با اینکه نهضت مقاومت با فعالیت نیمه‌مخفی در کسب قدرت توفیقی نیافت و در دهه اول پس از کودتا بلافاصله متلاشی شد و استقبال قابل ملاحظه‌ای از آن نشد، اما همین اندک فعالیت توانست تنور شور و هیجان مبارزه را داغ نگه داشته و تا حدودی سرخوردگی مبارزان و فعالان سیاسی را پس از کودتا جبران نماید. چنان که در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در اوایل دهه چهل مؤثر واقع شد و زمینه را برای فعالیت برخی از احزاب و جریان‌های سیاسی فراهم کرد. در سال ۱۳۳۹ بود که در ایران تحت تأثیر برنامه «اتحاد برای پیشرفت» جان اف. کندی تحولاتی صورت گرفت و شاه با تبعیت از سیاست‌های کندی با اعلام برخی آزادی‌های نسبی به گروه‌های مختلف زمینه‌ساز ایجاد «فضای باز سیاسی» شد که در آن احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی شکل گرفتند و توانستند نسبت به گذشته فعالیت آزادانه‌تری داشته باشند (جزئی، بی‌تا: ۶۴/۲). از نمونه‌های برجسته این احزاب جبهه ملی دوم و نهضت آزادی بودند. جریان‌های سیاسی

که در قالب جریان‌های ملی و ملی-مذهبی در تحولات دهه ۱۳۴۰ کاملاً برجسته بودند با تشکیل این دو حزب مخصوصاً نهضت آزادی در اردیبهشت ۱۳۴۰ فصل جدیدی در فعالیت نیروهای ملی-مذهبی رقم خورد، زیرا با تأسیس نهضت آزادی که اولین فعالیت برجسته سیاسی سازمان-یافته از سوی جریان ملی-مذهبی بود آنها با نهضت اسلامی پیوند خوردند.

نتیجه‌گیری

با انسداد سیاسی بعد کودتای ۲۸ مرداد، جمعی از نیروهای ملی-مذهبی و روحانیون با تشکیل نهضت مقاومت ملی و اتخاذ سیاست مقاومت در درون کشور دوباره به حوزه فعالیت سیاسی بازگشتند و به مبارزه با حکومت ادامه دادند. هدف از تشکیل نهضت مقاومت ملی در اندیشه مؤسسان آن تلاش جهت آگاهی‌دادن به مردم و دمیدن روح مقاومت و مبارزه در آنها بود. بررسی روند فعالیت نهضت نشان می‌دهد که اوج فعالیت‌های آن طی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ بوده است که در بازار و دانشگاه اقدامات مؤثری انجام داد. البته طی این سال‌ها اهمیت سازمان مذکور نه به فعالیت‌های ناچیز و محدود آن یا به وسعت سازمانی و یا شیوه فعالیت آن، بلکه به وضعیت سیاسی بستگی داشت که اتخاذ کرده بود و آن مقاومت در درون کشور طی سال‌های اختناق پس از کودتا بود. نهضت مقاومت در مقطعی که برخی از احزاب داخلی غیرمستقیم یا آشکار تصمیم به حمایت از کودتا گرفته بودند، از طریق تبلیغات، بیانیه‌ها و نیز تظاهرات متعددی که ترتیب داد، علیه فقدان آزادی دموکراتیک و به‌ویژه جریان انتخابات مجلس هیجدهم، که از نظر برخی از رهبران نهضت انتخاباتی فرمایشی بود، حکومت نظامی، شکست نهضت ملی صنعت نفت ایران، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، محکومیت دکتر مصدق و کوتاه کردن دست بیگانگان از اقتصاد کشور و غیره اعتراض نمود. طی این سال‌ها موقعیت نهضت برپایه دفاع از قانون اساسی و حقوق دموکراتیک ملت استوار بود که در کشور ارج نهاده می‌شد و این امر در زیر سؤال بردن مشروعیت رژیم بسیار تأثیر داشت. نهضت مقاومت که با اتحاد نیروهای مختلف

ملی، مذهبی و روحانی در پی اعمال برنامه‌های خود بود، با وجود تمام مشکلات تشکیلاتی و ساختاری و اختلافات درونی و رقابت‌های شخصی میان رهبران و غیره توانست نقش فعالی را در برابر کودتاچیان ایفا نماید و حتی در تحولات سیاسی-اجتماعی دهه ۱۳۴۰ تأثیراتی برجای گذارد. در ادامه روند فعالیت این تشکیلات، در کنار اختلافات و چنددستگی‌های به وجود آمده در نهضت که در ضعف و نابسامانی آن بی‌تأثیر نبود، دستگیری‌ها، فشارهای سیاسی و هزینه‌داربودن فعالیت در نهضت، جلب کادر جدید برای فعالیت‌های آن را با مشکل جدی مواجه کرد؛ به گونه‌ای که نهضت مجبور شد برای پخش اعلامیه از اعضای مهم و شناخته شده استفاده کند که همین امر نهضت را به نقطه پایان خود نزدیک کرد. بنابراین فعالیت‌های آن به هسته‌های کوچکی در داخل و خارج از کشور محدود شد. در نهایت هم حکومت با دستگیری سران آن به جرم تضعیف سلطنت مشروطه عملاً نهضت مقاومت را به نابودی کشانید.

کتابنامه

الف) اسناد

اسناد نهضت مقاومت ملی، ج ۵، تهران: انتشارات نهضت آزادی، ۱۳۶۳.

حدیث مقاومت (اسناد نهضت مقاومت ملی)، ج ۱، تهران: نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۵.

ب) کتاب

آل سیدغفور، سیدمحسن، اسلام لیبرال در ایران معاصر، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران: ۱۳۷۶.

امیری، جهاندار، روشنفکری و سیاست، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

بازرگان، مهدی، مدافعان، تهران: مدرس، ۱۳۵۰.

بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: مؤلف، ۱۳۶۳.

بازرگان، مهدی، شصت سال خدمت و مقاومت، ج ۱، تهران: رسا، ۱۳۷۵.

- بازرگان، مهدی، کوبا، هندوستان، ایران، ج ۱۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- بازرگان، مهدی، مباحث بنیادین، ج ۱، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، ۱۳۹۱.
- برزین، سعید، زندگی‌نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران: مرکز، ۱۳۷۴.
- باوریان، فریده، «تبیین فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی جریان روشنفکری ملی-مذهبی در دوره پهلوی دوم: از شهریور ۱۳۲۰ تا آغاز فضای باز سیاسی ۱۳۳۹»، تاریخ‌نامه انقلاب، سال دوم، ش ۱، شهریور ۱۳۹۷، صص ۹۸-۱۰۴.
- بسته‌نگار، محمد، مناره‌ای در کویر، ج ۱، تهران: قلم، ۱۳۷۸.
- بصیرت‌منش، حمید، هفده جلسه مصاحبه با مهندس عزت‌الله سحابی، تهران: آرشیو مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مصاحبه چاپ‌نشده)، بی‌تا.
- بهرامی، روح‌الله، فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی نخشب به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- جزنی، بیژن، تاریخ سی‌ساله ایران، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- جهانبخش، فروغ، از بازرگان تا سروش، ترجمه سعیده سربانی، تهران: بهزاد، ۱۳۸۲.
- حجازی، مسعود، رویدادها و داوری‌ها (۱۳۳۹-۱۳۲۹)، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۵.
- رادنیای، عباس، مقاومت در زندان، به کوشش ابراهیم یزدی، تهران: قلم، ۱۳۷۷.
- روبین، باری، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: آشتیان، ۱۳۶۳.
- سحابی، عزت‌الله، ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادی ملی، تهران: گام نو، ۱۳۸۳.
- سحابی، عزت‌الله، ج ۱، نیم‌قرن خاطره و تجربه، تهران: فرهنگ صهبا، ۱۳۸۸.
- سحابی، عزت‌الله، یادنامه دکتر سحابی، گردآورنده محمد ترکمان، تهران: قلم، ۱۳۷۷.
- شیخ‌فرشی، فرهاد، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۲.
- عزیزی، حشمت‌الله، زندگی و مبارزات آیت‌الله طالقانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- فارسی، جلال‌الدین، زوایای تاریک، تهران: حدیث، ۱۳۷۳.

تشکیلات نهضت مقاومت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲..... ۳۲۷

- کاتوزیان، محمدعلی، مصدق و مبارزه برای قدرت، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
- گازیورسکی، مارک ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز، ۱۳۷۱.
- مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی - اجتماعی در ایران (۵۷-۱۳۲۰)، تهران: روزنه، ۱۳۸۶.
- میرابوالقاسمی، سیدمحمدحسین، طالقانی و دگرگونی تاریخ، تهران: قلم، ۱۳۸۹
- میرزاده، وحید، تداوم حیات سیاسی در اختناق (تاریخ شفاهی نهضت مقاومت ملی ایران)، تهران: نشر سلک، ۱۳۷۹.
- میرزاده، وحید، «تداوم حیات سیاسی در اختناق؛ گفت و گو با حسن خرمشاهی»، ایران فردا، سال چهارم، ش ۲۲، آبان ۱۳۷۴ الف، صص ۵۴-۵۳.
- میرزاده، وحید، «تداوم حیات سیاسی در اختناق؛ گفت و گو با حسین شاه‌حسینی»، ایران فردا، سال چهارم، ش ۲۰، شهریور ۱۳۷۴ ب، صص ۳۰-۲۷.
- میرزاده، وحید، «تداوم حیات سیاسی در اختناق؛ گفت و گو با دکتر ابراهیم یزدی»، ایران فردا، سال چهارم، ش ۲۴، اسفند ۱۳۷۴ ج، صص ۳۲-۳۰.
- ملایی‌توانی، علیرضا، زندگی‌نامه سیاسی آیت‌الله طالقانی، ویراستار لاله خاکپور، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
- ملایی‌توانی، علیرضا، «کودتای ۲۸ مرداد و تغییر در نظام فکری و سیاسی ایرانیان»، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۶۶، زمستان ۱۳۷۶، صص ۱۱۲-۱۱۳ و ۱۵۶-۱۵۴.
- نجاتی، غلامرضا، تاریخ ۲۵ ساله ایران، ج ۱، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
- نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۷.
- یزدی، ابراهیم، شصت سال صبوری و شکوری، ج ۱، تهران: کویر، ۱۳۹۴.
- یوسفی اشکوری، حسن، در تکاپوی آزادی، ج ۱، تهران: قلم، ۱۳۷۶.

منابع لاتین

Chehabi, H. E (1990), **Iranian politics and religious modernism: the liberation movement of Iran under the shah and Khomeini**, New York, Cornell University.





در اجرای امر ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور کمیته مرکب از اعضاء کتدگان مشروحه زهین از ساعت ۱۸ تا ۲۱ روز ۱۳۳۶/۸/۲۱ در دفتر اداره یکم تشکیل و پس از بررسی پرونده های بازجویی ششمین دستگیر شده نهضت مقاومت با اصطلاح ملی ششمین را بدو طبقه بشرح زیر تقسیم و بررسی فرمائید .

الف - طبقه یکم

ششمینی که فعالیت عمدی و مکرر در نهضت مقاومت ملی داشته و هنوز هم مصعب خود را نسبت بان حفظ کرده اند طبق صورت پیوست شماره ۱

ب - طبقه دوم

۱ - ششمینی که فعالیت موقتی در نهضت مقاومت ملی و احزاب وابسته بان نداشته و بعضی از آنها تحت تاثیر ظلمات سایرین و مخطرات اخلاقی فرار گرفته و به نهضت گریخته اند و در بازجویی نیز ضمن بیان خطیعت از احوال و ریه گذشته خود سخنان نامر و امراز انزجار و کفر نموده اند طبق صورت پیوست شماره ۱

۲ - ششمینی که عملاً برای آنها مدارک مکتبی و وثیقه بدست نیامده است طبق صورت پیوست شماره ۲

تقریرات کمیته

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
www.psri.ir



- ۱ - متهمین بند ۱ طبقه دوم پس از انجام تشریفات قانونی و اجرای مراسم خاصه که متاسب با شعور طبقاتی آنها باشد آزاد گردند .
- ۲ - متهمین بند ۱ طبقه دوم چنانچه حاضر به ابراز انزجار و ندامت از افعال و رویه گذشته خود باشند با انجام تشریفات قانونی و اجرای مراسم خاصه مرخصی گردند و در غیر این صورت با تکمیل پرونده تسلیم مراجع قضائی گردند .

سرگرد محمد باقری
سرگرد ۲ محمد یزاد
سرگرد احمدی
سرگرد محمد
سرگرد محمد

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
www.psri.ir
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند پیوستی شماره ۲: صورت جلسه طبقه بندی متهمان نهضت مقاومت ملی

سند پیوسته شماره ۱		سند پیوسته شماره ۲	
ردیف	نام	ردیف	نام
۱	عاصم محمدی	۱	عاصم محمدی
۲	رستم طالبی	۲	سید جواد جواد
۳	حسن محمد صادقی	۳	محمد علی طبیبانی
۴	زهرا آقاچه	۴	غلامحسین یزدانی
۵	ظاهر احمد زاده	۵	مسعود باگانیان
۶		۶	سید ابراهیم ملائی
۷		۷	حسن نایب حسینی
۸		۸	حبیب‌الله بیجان
۹		۹	احمد عقیقی
۱۰		۱۰	محمد ابراهیم طالبی
۱۱		۱۱	امیر گیتی بن
۱۲		۱۲	حسن روحانی
۱۳		۱۳	ظاهر محمدی

سند پیوستی شماره ۳: صورت جلسه طبقه‌بندی متهمان نهضت مقاومت ملی

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: تأسیس حزب نهضت آزادی
 محل: تهران
 ملک بشماره:
 منبع خبر:
 قلم:

شماره: ۲۴۳ /
 تاریخ حدت:
 تاریخ وصول خبر: ۱۳/۱۲/۹۶
 تاریخ گزارش: ۱۰/۲/۹۷

خیلی محرمانه

طبق اطلاع نهضت مقاومت ملی در نظر دارد حلقه بنام نهضت آزادی تحت رهبری آیت‌الله زین‌العابدین
 آیت‌الله طالب‌ناس، آقای محمد صیادزگان، آقای نزه، آقای دکتر سجادی و رضا تاسیس کنند و اعضای
 جدید ملی در مورد حفظ ملیت این حزب با مبارزه و همکاری آن در چارچوب بدست دهد.



تقریباً:

کودکتن، اداره کل مستوفی
سندبند، (۴)

خیلی محرمانه





نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

گزارش اطلاعات داخلی

شماره ۲۸۴۱/۵/ن

ح

تاریخ حادثه

تاریخ وصول خبر ۳۹/۶/۴۴

تاریخ گزارش ۳۹/۶/۴۴

موضوع مقاله روزنامه فردوسی

محل تم ران

محرمانه

عطف بشماره

منبع خبر: سیمروس

تقریب: ب ۳

در روزنامه فردوسی سه شنبه مورخه ۳۹/۶/۴۴ که پیوست است مقاله ای تحت عنوان چشمهای سیاهی که دوست داشتیم درج شده که نویسنده آن آقای سیمروس طاهیان دانشجوی سال ۲ دانشکده پزشکی و از اعضای مسئول تئوری سوم دستر خنجی میباشد و تقدیم به همزادش به روز برومند که از اعضای مسئول حزب پان ایرانیسم و رابط نهضت مقاومت ملی میباشد که قابل بررسی است . م

محرمانه

تقریب
محمد باقر
۱۷/۱۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعداد نسخه:

گیرندگان: اداره

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
historydocuments.ir

● خیملی محرمانه ●



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س. ۱۰۰.۰۱.۰۱

از اداره کل سوم
شماره
تاریخ
پیوست
به ریاست ساواک تهران

در باره : نعمت‌اله جهان بانویی

عطف به ۴۶/۵/۱۸ - ۲۵/۱۵۳۴۹

برابر سوابق موجود تا مه ۶۰ بالا از طرف داران جدی نهضت مقاومت ملی و مصدق بوده و تا مدتی پس از
۲۸ مرداد سال ۳۲ با نشر مطالب و مقالاتی علیه حکومت‌های وقت فعالیت مینموده و روزنامه وی کرارا
بعلمت و روح مطالب نامناسب توقیف گردیده و مشخصات مشارالیه بشخص زیر اعلام میگردد . - ب

مدیرکل اداره سوم - مقدم

سید محمد
۲۵/۱۵۳۴۹

نام - نعمت‌اله
شهرت - جهان بانویی
نام پدر - اسداله
تاریخ تولد - ۱۳۰۱
شماره شناسنامه - ۳۵۹۵۲ تهران
محل - مدیومجله فردوسی
محل سکونت - خیابان رامسر شماره ۴۸ ظفر ۶۹۳۸۰ - ۳۵/۵

۳۶۵۲
۳۳
۳۵/۵

شوشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتابخانه مرکزی - ۴۱
رئیس بخش ۳۱۴ - عطا
رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - ثابتی

خیملی محرمانه

مرکز بررسی اسناد تاریخی
historydocuments.ir

سند پیوستی شماره ۷: دستگیری مدیر روزنامه فردوسی از هواداران نهضت مقاومت

پیوست



شماره

تاریخ

وزارت جنگ

فرماندهاری نظامی شهرستان تهران و حومه

وزارت جنگ

درباره توقیف مجله فردوسی

مجله مزبور به علت درج مطالب تحریک آمیز توقیف گردید و به دستور داده شد از چاپ و انتشار آن جلوگیری شود.

فرماندها و نظامی شهرستان تهران به ترتیب بختیار

کیوندگان

مستاد ارتش جهت استحضار ۱۳۳۲/۴

اداره کل تبلیغات و انتشارات به جهت اطلاع ۱۳۳۲/۴

۳۴۱۵۷
۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۲
پایان جامع علوم انسانی

مرکز بررسی اسناد تاریخی
historydocuments.ir



سند پیوستی شماره ۸: توقیف روزنامه فردوسی به جرم چاپ مطالب تحریک آمیز